



حافظ

ز پادشاه و گدافارغم بحمدالله
گدای خاک در دوست، پادشاه من است

صفحه از: علیرضا بهرامی

■ همشهری آنلاین: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

صفحه آخر

■ صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دبیر تحریریه:
شهرام فرهنگچی
■ معاونان سردبیر:
علی عمادی، شاهین امین
■ مدیر فنی: حامد یزدانی
■ مدیر هنری: مهدی سلامی
■ دبیر عکس: امیر بهیور

■ سرزمین من:
مدیر: سید زهرا عباسی
دبیر: زهرا رفیعی

■ جامعه:
مدیر: سعید میر
دبیر: فاطمه عسکری نیا

■ ۲۴ (سینما و تلویزیون):
مدیر: سعید مروی
دبیر: علیرضا محمودی

■ مشقه آخر:
دبیر: عباسی محمدی

■ سرگرمی:
مدیر: جواد نوری
دبیر: مریم سرخوش

■ سرخ:
مدیر: جواد نوری
دبیر: محمد جعفری

■ دانسته‌ها:
مدیر: ساسان شادمان
دبیر: زهرا خالجي

■ سردبیر آنلاین:
اسماعیل سلطنت‌پور

■ معاونان آنلاین:
مجتبی صادقی،
کامران یازجی، حامد فوقانی

■ مدیر فضای مجازی:
زهرا سادات بهشتی

■ مدیر پیش‌زنده:
امیرحسین محدودست

■ مدیر تولید تلویزیون:
الهه سادات بهشتی

سوزه روز

آرش‌هاور ویش‌ها



سیدروس طباطبایی‌پور

آرش، همین مجسمه‌ای که این روزها در میدان ونک تهران قد علم کرده، اسطوره‌ای است ایرانی که در هنگامه نبرد میان ایرانیان و تورانیان، آن هنگام که مرزها تنگ و تار شده بود و زندگی بر ایرانیان سرد و تیره و در زمانی که تنها پرتاب تیری مرزها را سامان می‌داد، قدم‌های استوارش را بر کوهپایه البرز گذاشت و جانش را در تیر کرد و کار صدها هزار تیغه شمشیر را انجام داد و مرزها سامان یافت و قلب ایرانیان آرام!

برخی می‌گویند قصه آرش، افسانه است و خیال و تنها در کتاب‌های اسطوره‌ای می‌توان آن را یافت. باید اعتراف کرد که این روزها و در ایران دوست‌داشتنی، هر روز و هر لحظه، آرش‌هایی از کوه‌ها و برزن‌های این سرزمین می‌رویند و آرش‌وار، جان خویش را در تیر می‌دمند و برای سامان این سرزمین، فداکاری می‌کنند. اگر رستم‌ها و آرش‌ها و سیاوش‌ها افسانه‌اند، اما پوربای ولی‌ها، میرزا کوچک‌خان‌ها، رئیسعلی دلواری‌ها، همت‌ها و چمران‌ها و دیگر شهیدانی که در همین جنگ ۱۲ روزه، آرش‌وار جانشان را برای سربلندی این سرزمین فدا کردند که افسانه نیستند.

آرش‌نماد و نشانه‌ای از زنان و مردانی است که برای ایران تا پای جان ایستادند و حالا به پایداری این منش آرش‌وارانه، به‌دور مجسمه آرش در میدان ونک می‌چرخیم و به احترام همه فداکاری‌ها، کلاه از سرب می‌ذاریم.

دور دنیا

عروسک گردانی ممنوع!



یکی از جاذبه‌های گردشگری جاکارتا، پایتخت کشور اندونزی، عروسک‌های غول‌پیکر معروف به «اوندل اوندل» است که معمولاً یک گرداننده زن و مرد، آن‌ها را در خیابان‌های می‌گردانند و گروهی نوازنده هم آنها را همراهی می‌کنند. حالا مقام‌های جاکارتا در حال تدوین قانونی هستند تا بتوانند سنت قدیمی عروسک گردانی اوندل اوندل را حذف کنند؛ ماجرای که این روزها بسیاری از شهروندان جاکارتا را نگران کرده است.

مقام‌های شهری می‌گویند حضور این عروسک‌های غول‌پیکر در خیابان‌ها که گاهی به اندازه یک کامیون هستند، برای شهروندان مزاحمت ایجاد می‌کند و مانع تردد شهری می‌شود؛ اما مهم‌تر از آن، مقام‌های شهری جاکارتا معتقدند این عروسک‌ها، نماد فرهنگ مقدس از قوم بت‌نوی، از بوم‌های جاکارتا به حساب می‌آیند، اما حالا سال‌هاست که تنها فرهنگ تکی‌گری را ترویج می‌دهند؛ چون در بسیاری از موارد، عروسک گردان‌های این عروسک‌ها، سطل‌های بزرگی هم به‌دست می‌گیرند تا کمک‌های مردمی را جمع کنند.

اما قانون منع عروسک گردانی، بسیاری از جمله گردانندگان و نوازندگان این عروسک‌ها را نگران کرده است. مثلاً «ادی» ۷۰ساله است که شغلش عروسک گردانی اوندل اوندل است و در روز خوب، از این کار ۵۷ دلار در آمد کسب می‌کند تا خرج همسر و دختر ۵ساله‌اش را تأمین کند. او می‌گوید این عروسک‌ها خیلی سنگین هستند و داخشان هم بسیار گرم است؛ اما مردم را شاد می‌کند. او حالا نگران است که با تصویب این قانون، بیکار شود.

در طول سال‌های اخیر، عروسک گردان‌ها و نوازندگان این عروسک‌ها به شکل چشمگیری زیاد شده‌اند. آنها عروسک‌ها را می‌گردانند و گروه موسیقی با بلندگو صدای سازها را پخش می‌کنند و در کنار جاده، پشت چراغ راهنمایی و در کوچه‌ها و خیابان‌های پرجمعیت و شلوغ جاکارتا توجه همه را به‌خود جلب می‌کنند.

برخی، عروسک‌های اوندل اوندل را افتخار بومیان جاکارتا می‌دانند و معتقدند آنها ارواح شیطانی را دفع می‌کنند. به همین دلیل از این عروسک‌ها و نوازندگان‌شان، در مراسم شاد مثل عروسی، ختنه‌سوران و استقبال از مهمانان خود بهره می‌برند.

گروهی از شهروندان این کشور حدود ۲۵۰ میلیون نفری، البته با دولت همراهند و می‌گویند عروسک گردان‌ها با رفتارشان، این نماد فرهنگی را لک‌دار کرده‌اند و نشان آن را پایین آورده‌اند. آنها می‌گویند نباید از این آیین قدیمی برای گدایی استفاده شود و آنها از دیدن این صحنه‌ها رویشان آزار می‌بیند.

بازار ایرانی، آوازه جهانی

سفری به شاهره‌های اقتصادی و فرهنگی ایران که قرن‌هاست زندگی در آنها جریان دارد



دوران سبزی شده است؛ از شکوه جاده ابریشم تا هیاهوی انقلاب مشروطه. معماری شگفت‌انگیز بازارها، با آن طاق‌های ضربی، گنبد‌های نورگیر و کاروانسراهای باشکوه، تنها برای زیبایی ساخته نشده، بلکه یک سیستم هوشمند و پایداری برای مقابله با گرما و سرما و ایجاد فضای امن و آرام برای تعاملات انسانی بوده است. بازار، حافظه تاریخی یک شهر است. صدای چکش مسگران در بازار کاشان، عطر ادویه‌ها در بازار وکیل شیراز و همه‌همه حجره‌داران در بازار بزرگ تهران، سمفونی زندگی اصیل ایرانی است که با وجود ظهور مراکز خرید مدرن، همچنان پرقدرد و دلنشین به گوش می‌رسد. بازارهای سنتی محلی هستند برای تداوم فرهنگ شفاهی و حفظ صنایع دستی هر منطقه. بسیاری از جشن‌ها و آیین‌ها از دل همین بازارها جان می‌گیرند؛ چنان‌که هنوز اگر بخواهی از حال و روز شهر بدانی، کافی است صبح زود یا شامگاه سری به بازار بزنی. بازارها آینده هستند که روزگار هر شهر را نشان می‌دهند؛ پیوند تاریخ و امروز. این گزارش، مروری است بر معروف‌ترین و زنده‌ترین بازارهای سنتی شهرهای بزرگ ایران؛ روایت استمرار زندگی در کوچه‌بازارها.



یادگار کریم‌خان زند

«بازار وکیل شیراز»، یکی از زیباترین و خوش‌طرح‌ترین بازارهای ایران و یادگار ارزشمند دوره زندیه است. کریم‌خان زند دستور ساخت بازاری را داد که با معماری هوشمندانه و سقف‌های گنبدی بلند، نور کافی داشته باشد و تهویه‌ها در آن به‌خوبی انجام شود. این بازار مرکز اصلی فروش عشایری مانند گلیم و جاجیم و همچنین عرقیجات و ادویه‌های خوش‌عطر و بوی شیراز است. آرامش و نظمی که در ساختار این بازار وجود دارد، بازدید از آن را به تجربه‌ای لذت‌بخش و به‌دور از هیاهو تبدیل کرده است.



بزرگ‌ترین کاروانسرای شهری

اگرچه کل «بازار قزوین» قدمتی دیرینه دارد، اما انگین درخشان آن، سرای سعدالسلطنه است؛ بزرگ‌ترین کاروانسرای سرپوشیده و درون‌شهری ایران که پس از مرمتی استادانه به یکی از زیباترین فضاهای عمومی کشور تبدیل شده است. حیاط وسیع، حجره‌های متعدد که امروز به کافه‌ها، گالری‌های هنری و فروشگاه‌های صنایع دستی تبدیل شده‌اند و چهارسوق باشکوه آن با گنبدی کاشی‌کاری شده، این مجموعه را به مقصدی بی‌نظیر برای گردشگری و خرید تبدیل کرده است که نبض زندگی مدرن در کالبدی تاریخی در آن می‌تپد.

نگینی در دل کویر

یزد، شهر بادگیرها و خانه‌های خشتی، بازاری دارد که کاملاً با اقلیم سازگار است. «بازار خان یزد» که به دستور «محمدتقی خان بافقی» حاکم یزد ساخته شده با دیوارهای بلند و سقف‌های طاقی، فضای خنک و دلپذیر را در گرمای کویر فراهم می‌کند. این بازار طولانی، از میدان خان شروع می‌شود و به حمام و مدرسه خان می‌رسد. شهرت اصلی بازار یزد به پارچه‌های ترمه، شیرینی‌های محلی لذیذ مانند قطاب و باقلاوا و البته طلا و جواهرات دست‌ساز و خاص آن است که چشم هر بازدیدکننده‌ای را خیره می‌کند.

قلب اقتصادی ایران

«بازار بزرگ تهران» بیش از آنکه یک اثر تاریخی باشد، مرکز نقل اقتصاد معاصر ایران است؛ شبکه‌ای پیچیده و تو در تو از راسته‌ها، تیمچه‌ها و پاساژها که هر کدام به یک صنف خاص اختصاص دارد. اینجا همه‌چیز پیدا می‌شود؛ از پارچه و طلا گرفته تا لوازم خانگی و خشکبار. با وجود ظاهر مدرن‌تر برخی بخش‌ها، هنوز هم می‌توان در دالان‌های قدیمی‌اش، حال و هوای تهران قدیم را پیدا کرد. مسجد امام و مسجد جامع در قلب این بازار، نشان‌دهنده پیوند عمیق دین و تجارت در فرهنگ ایرانی است.

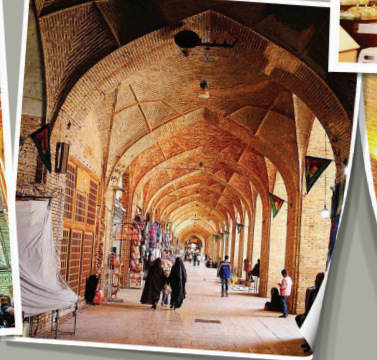
بزرگ‌ترین سازه آجری سرپوشیده جهان

وقتی از «بازار تبریز» حرف می‌زنیم، از یک شهر کوچک سرپوشیده سخن می‌گوییم. این میراث جهانی یونسکو، با تیمچه‌ها، دالان‌ها، مساجد و کاروانسراهای متعدد، نمونه‌ای کامل از یک مرکز تجاری-اجتماعی است. تیمچه مظفریه با سقف بلند و معماری خیره‌کننده‌اش به مرکز تجارت فرش دست‌باف نفیس ایران شهرت دارد. قدم زدن در این بازار، سفری به دل تاریخ تجارت ایران است؛ جایی که هنوز هم می‌توان شکوه جاده ابریشم را در همه‌همه مردمان و بوی کالاهای رنگارنگش حس کرد.



تلفیق هنر و تجارت

«بازار کاشان» که از دروازه دولت آغاز می‌شود و به میدان فیض می‌رسد، مجموعه‌ای بی‌نظیر از معماری دوره صفویه تا قاجار است. نقطه اوج هنر معماری این بازار، تیمچه امین الدوله است. این تیمچه با سقف یزدی‌بندی و مقرنس‌کاری شگفت‌انگیز و طراحی متقارن و باشکوهش، یکی از زیباترین بناهای تجاری تاریخ ایران به‌شمار می‌رود. بازار کاشان هنوز هم مرکز دادوستد فرش دست‌باف معروف این شهر و همچنین عرقیجات ناب، به‌خصوصی گلاب قمر است که عطر آن در سراسر دالان‌هایش می‌پیچد.



نگاه

به روایت هوش مصنوعی



آیا می‌توان روح معماری سنتی ایران را با زبان الگوریتم‌های هوش مصنوعی بازآفرینی کرد؟ پروژه مفهومی «اصفهان ۷۸» که توسط پوریا زمانی با بهره‌گیری از هوش مصنوعی توسعه یافته، پاسخی شگفت‌انگیز به این پرسش است. این مجموعه تصاویر، ایستگاه‌های اتوبوس و میلمان شهری را به نمایش می‌گذارد که گویی از دل تاریخ و با نگاهی به آینده طراحی شده‌اند. فرم‌های سیال و ارگانیک این سازه‌ها با الهام از خطوط ترم و پیچش‌های گنبد‌های ایرانی، فضایی دعوت‌کننده و انسانی خلق می‌کنند. پوسته بیرونی با بافتی شبیه به سنگ تراورتن، وقار و استحکام را تداعی می‌کند، در حالی که فضای داخلی با کاشی‌کاری‌های فیروزه‌ای و شبکه‌بندی‌های پیچیده، یادآور مقرنس‌ها و کاربندی‌های مساجد و بناهای تاریخی اصفهان است.

این پروژه فراتر از یک تمرین زیبایی‌شناسانه، نمونه‌ای از تلفیق نوآوری و احترام به شهرپرد در حوزه طراحی شهری است. «اصفهان ۷۸» نشان می‌دهد که هوش مصنوعی نه به‌عنوان جایگزین، بلکه به‌عنوان ابزاری قدرتمند در دستان معمار می‌تواند به خلق فضاهایی کاربردی، زیبا و دارای هویت فرهنگی منجر شود. این طرح، گامی بلند در معماری پارامتریک ایرانی است و این سؤال را مطرح می‌کند که چگونه می‌توان از این فناوری برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و حفظ میراث غنی معماری کشورمان بهره‌برد.



عکس خانه

بخوان نام ایران که دشمن کش است



چهره میدان انقلاب تهران بار دیگر با دیوارنگارهای حماسی و معنادار، نو شد. جدیدترین طرح این دیوارنگاره که در چند روز اخیر رونمایی شد، اثری است که هنر کلاسیک ایرانی را با مفاهیم سیاسی روز پیوند می‌زند. در این تصویر، پهلوانی با چهره و پوشش‌های یادآور «رستم»، قهرمان اسطوره‌ای شاهنامه است. در حال نبردی سهمگین با یک اژدهای چند سر دیده می‌شود. هنرمند با هوشمندی، نمادهای پرچم آمریکا را بر پیکر این اژدها تلفیق کرده و به این ترتیب، دشمنی دیرینه را در قالبی اسطوره‌ای به تصویر کشیده است.

این طرح با شعار قدرتمند «بخوان نام ایران که دشمن کش است» مزین شده که برگرفته از ادبیات حماسی ایران و یادآور آنکا به هویت ملی برای غلبه بر دشمنان است. انتخاب این مفهوم، نشان‌دهنده رویکردی فرهنگی برای بیان مواضع سیاسی است؛ جایی که نبرد، نه فقط در میدان واقعیت، بلکه در عرصه نمادها و اسطوره‌ها نیز جریان دارد. این دیوارنگاره با قرار گرفتن در قلب تپنده تهران، تلاش دارد روایتی از مقاومت و پیروزی نهایی را با تکیه بر میراث غنی پهلوانی و هویت ایرانی، به مخاطبان خود یادآوری کند. این اثر، بیش از یک تصویر، یک بیانیه بصری است.